

تبیین جامعه‌شناختی قتل‌های خانوادگی (مورد مطالعه: استان اردبیل ۱۳۹۴)

طاها عشایری^۱، محمد جوانمرد^{۲*}، علی جهانگیرپور^۳

۱- دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان

۲- عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

۳- عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

چکیده

قتل‌های خانوادگی جزئی از آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای خشونت‌بار که در جوامع در حال توسعه بیشتر از جوامع توسعه یافته است. قتل خانوادگی جزئی از قتل‌های محسوب می‌شود که در بین خویشاوندان سببی، نسبی و یا یکی از اعضای خانواده با انگیزه و زمینه‌های مختلفی رخ بدهد. بر این اساس هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین جامعه‌شناختی قتل‌های خانوادگی که با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه در صدد پاسخ به سؤال پژوهش است. حجم نمونه با استفاده از فرمول مورگان برابر ۱۹۴ نفر تعیین و روایی شاخص‌ها با آلفای کرونباخ تأیید گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسائل اخلاقی، فرهنگ انتقام‌جویانه، اختلافات ارثی - ملکی، مسائل ناموسی، ساختار مردسالاری خانواده، عرفی شدن خشونت، نظارت اجتماعی و بی‌اطلاعی از قوانین با قتل‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری داشته و رابطه متغیر اختلافات زناشویی با قتل‌های خانوادگی معنی‌داری نبود. یافته‌های رگرسیونی نشان می‌دهد که ضریب تعیین برابر با ۰/۳۸ و ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۴۲ است.

واژه‌های کلیدی: قتل خانوادگی، مسائل اخلاقی، ساختار مردسالار خانواده، استان اردبیل.

مقدمه و بیان مسأله

قتل نفس از یک طرف به اصل مصونیت و عدم اعتراض به حیاتی انسانی که عزیزترین ودیعه است، لطمه می‌زند و از طرفی دیگر امنیت و انتظام جامعه را متزلزل می‌کند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴). پس از وقوع هر قتل، احساس ترس و ناامنی جامعه را فرا گرفته، احساسات و عواطف مردم شدید جریحه‌دار می‌شود (پرویزی، ۱۳۸۴: ۱۳). انگیزه‌هایی از جمله ثروت‌اندوزی، خودپرستی، حرص و طمع، کینه و حسادت، احساسات جریحه‌دار شده، اختلافات خانوادگی، بهره جنسی، انتقام، نزاع‌های شدید، جلوگیری از افشای جرم پرننگ است. در کشور آمریکا علت قتل زنان، انگیزه جنسی و کمترین آن نزاع بوده و در حالی که شایع‌ترین علت قتل مردان نزاع و کمترین آن انگیزه جنسی است (شیرزاد و دهنوی، ۱۳۹۱: ۹۷). نظم و امنیت جزء ناگزیر و ضروری زندگی افراد جامعه و برقراری آن یکی از وظایف اصلی دولت، بلکه اصلی‌ترین کار یک حکومت است؛ تحقق پایدار این امنیت محقق نمی‌شود مگر با شناسایی عواملی که مخل امنیت جامعه هستند که یکی از این عوامل وقوع قتل است. قتل یکی از هولناک‌ترین جنایات‌های بشری که ضمن وضع قوانین مختلف برای پیشگیری از وقوع این جرم، گریبان گیر تمامی جوامع بشری بوده است. قتل جزء یکی از نابهنجاری زشت سیمای زیبای جامعه بشری و لکه‌ای بر توسعه امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بوده و از جمله مسائل اجتماعی که چرخ‌دنده‌های بهبود امنیت، آرامش، مشارکت و فعالیت اقتصادی و اجتماعی افراد و شهروندان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این‌گونه مسئله فقط از فقر اقتصادی بر نمی‌خیزد بلکه فرهنگی و اجتماعی نیز در تقویت گرایش به آن دخیل بوده است؛ بنابراین قتل مسئله‌ای اجتماعی بوده و ناشی از عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی است (نیازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۶). یکی از شایع‌ترین نوع قتل‌ها، قتل خانوادگی است که در مناسبات اجتماعی - خانوادگی خود را نمایان می‌سازد. قتل شوهر به دست همسر، قتل زن به وسیله شوهر، کشته شدن فرزندان به دست والدین، به ترتیب مهم‌ترین نوع قتل‌های خانوادگی در جامعه است. این نوع قتل، نیازمند سازوکار فرهنگی - اجتماعی و قانونی برای مبارزه با آن

است، علت آن این است که خانواده مأمّن و مکان امنی برای انسان‌ها در جامعه محسوب می‌شود. پس خشونت خانگی به خشونت درون خانگی اطلاق می‌شود که در آن یکی از اعضای خانواده دیگری را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد که در بین همجنس و غیر همجنس بروز می‌کند (والاس^۱، ۲۰۰۵: ۱۴). زنان قربانیان اصلی قتل‌های خانوادگی هستند و کمترین آمار مربوط به قتل مادر به دست فرزندان است. ضربه چاقو و خفگی مهم‌ترین روش‌ها در ارتکاب قتل‌های خانوادگی است. عصاره ریشه دواندن خشونت و نفرت در خانواده که اولش خشم است و دیوانگی و آخرش قتل. اصطلاح قتل‌های خانوادگی^۲ به قتل‌هایی گفته می‌شود که در یک خانواده با روابط خویشاوندی سببی و نسبی نزدیک، واقع می‌شود، به نحوی که یکی از اعضا اقدام به کشتن عضو دیگری می‌کند. اغلب قتل‌های خانوادگی که در جوامع به وقوع می‌پیوندد، دارای یک ویژگی مشترک هستند و آن انگیزه ناموسی است. جامعه‌شناسان قتل‌های خانوادگی را نتیجه خشونت‌های خانوادگی می‌دانند و علت افزایش این گونه قتل‌ها را نتیجه گذار جامعه به مدرنیته ارزیابی می‌کنند. قتل‌های خانگی و قتل‌های خشن در حالت کلی از چالش‌های عمده همه کشورهاست و آن را به‌عنوان رفتارهای نامناسب می‌دانند که در هر سطحی از روابط توسط یکی از دوستان برای تجمیع قدرت و کنترل بر افراد صمیمی و دیگران آشنا اعمال می‌کند که ممکن است دارای بعد فیزیکی، جنسی، عاطفی، اقتصادی و روانی یا تهدیدی علیه دیگر افراد باشد (دپارتمان قضایی ایالات متحده^۳، ۲۱۰۴). بر این اساس خشونت دوستان صمیمی به‌عنوان نوعی آسیب روانی، جسمی و فیزیکی است (مرکز پیشگیری از بیماری^۴، ۲۰۱۴) در ایالات متحده وقوع قتل در بین دوستان صمیمی، ۲۲.۱ درصد برای زنان و ۷.۴ درصد برای مردان است و بین زنان، ۸ درصد از قربانیان، از نوع قتل‌های صمیمی هستند (کتلنو^۵، ۲۰۱۲). قتل‌های خانوادگی، نمادی از افزایش بحران در خانواده‌هاست. رفتارهای غیراخلاقی مهم‌ترین علت بروز آن است. فقر اقتصادی و فرهنگی، ضعف قانونی، مسائل ناموسی مهم‌ترین علل وقوع قتل در محیط خانواده است. قتل به‌عنوان نوعی خشونت یا

1.Wallace

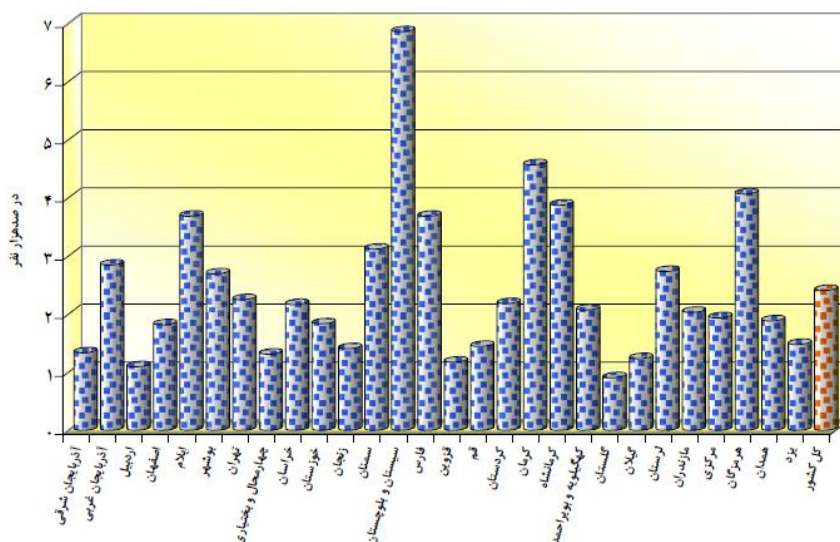
2.Domestic Homicide

3.U.S. Department of Justice

4.Center for Disease Control and Prevention

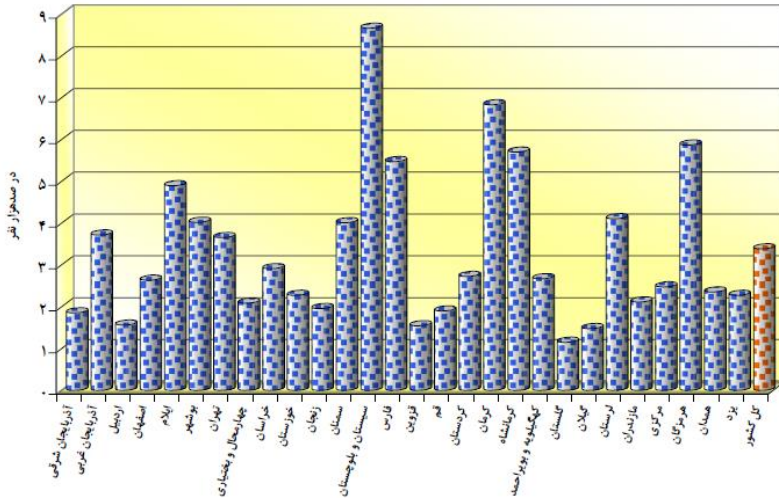
5.Catalano

پرخاشگری که یکی از آسیب‌ها یا کج‌روی‌های عمده در جهان امروز است که ماهیتی اجتماعی داشته و بیشتر در تعاملات بین شخصی و گروهی صورت می‌گیرد و امنیت اجتماعی افراد و گروه‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد (حاجی‌زاده، ۱۳۹۱). والتر میلر نیز در تحلیلی که از بزهکاری به دست می‌دهد، بزهکاری را یک نوع خودنمایی مبالغه‌آمیز می‌داند که ناشی از خرده‌فرهنگ طبقه پایین اجتماعی است و این مسئله را تا حدی به علت نیاز جامعه به نیروی ماهر مرتبط می‌داند. همچنین کلوارد و اوهلین معتقدند که در جامعه همواره به اعضای طبقه پایین فشار وارد می‌شود و وارد شدن این فشار باعث می‌شود تا آن‌ها بیشتر در معرض انحراف قرار گیرند. چراکه آن‌ها برای رسیدن به موفقیت آن‌هم از طریق راه‌های غیرقانونی، فرصت کمتری در اختیاردارند (قاسمیو یازرلو، ۱۳۸۳). در بین انواع خشونت، قتل خطرناک‌ترین و مخوف‌ترین و درعین حال نادرترین نوع خشونت در جوامع است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). در ادامه نمودارهای قتل به شرح زیر آمده است (وزارت کشور، ۱۳۸۳).



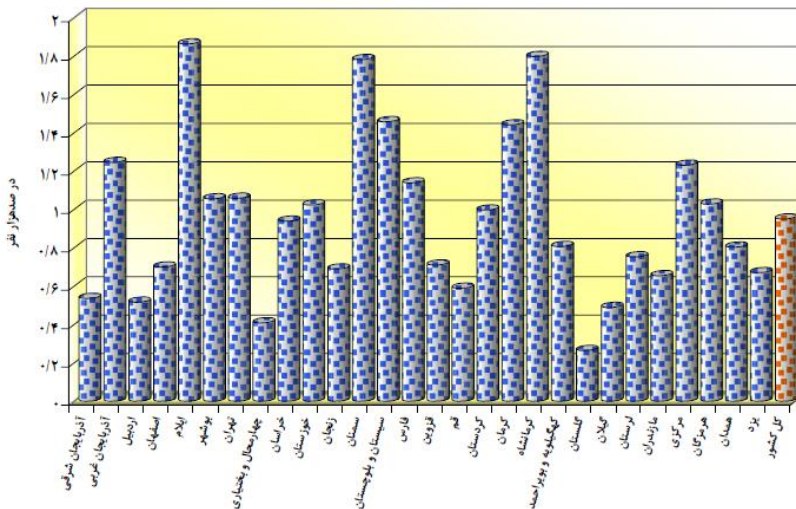
نمودار ۱- مقایسه میانگین میزان قتل در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱

جدول فوق نشان می‌دهد که میزان قتل در استان سیستان و بلوچستان و کرمان در بیشترین حد و در استان گلستان در کمترین حد خود است.



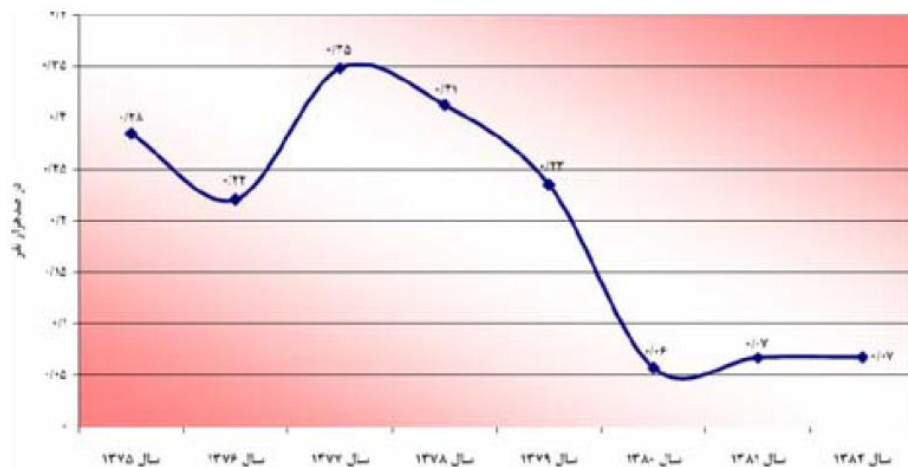
نمودار ۲- مقایسه میانگین قتل مردان در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۱

طبق نتایج فوق، وضعیت قتل مردان همچنان در استان سیستان و بلوچستان و کرمان در حد بالا و در استان گلستان در پایین‌ترین حد خود است.



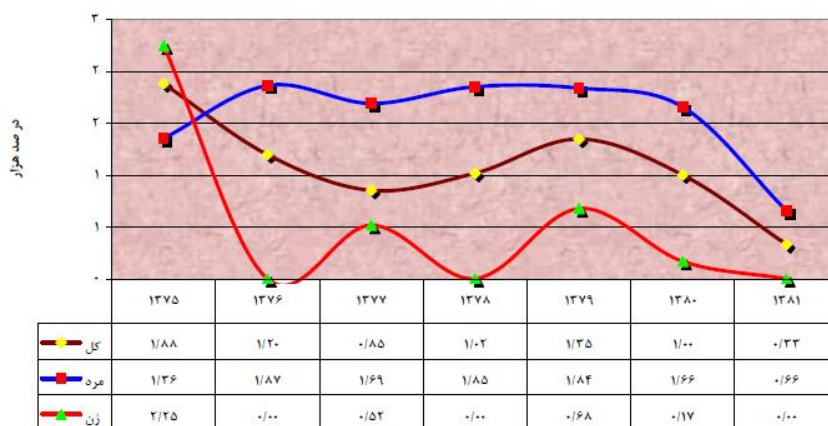
نمودار ۳- مقایسه میانگین قتل زنان در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۸۱

تحلیل و بررسی جدول حاکی از این است که به ترتیب در استان ایلام، سمنان، کرمانشاه بیشتر و در استان گلستان در کمترین حد خود است.



نمودار ۴- روند تغییرات میزان قتل به انگیزه خانوادگی در کشور طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱

آمار نتایج نشان می دهد میزان قتل های خانوادگی در سال ۱۳۷۷ در بیشترین حد خود و ۱۳۸۲ به کمترین خود رسیده است.



نمودار ۵- روند تغییرات میزان قتل در استان اردبیل طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱

به‌جرئت می‌توان ادعا کرد که در جوامع امروز جهان، قتل انسان‌ها بالاترین چهره و درجه خشونت را نشان می‌دهد. از این رو بالاترین عمل مجرمانه در یک جامعه قتل به‌شمار می‌رود (بیات، ۱۳۹۰: ۸۲). مطالعات در سال ۲۰۱۳ نشان داد که ۵۱ درصد از قربانیان مرد و ۴۹ درصد زن بودند که سنین ۲۱-۴۰ سال قربانیان برابر ۴۱ درصد، سنین ۴۱-۶۰ برابر ۳۴ درصد و بالای ۶۰ سال برابر ۸ درصد و زیر ۲۱ سال برابر ۱۷ درصد بوده است. همچنین ۷۳ درصد از مرتکبین مرد و ۲۷ درصد زن و سنین زیر ۲۱ سال، ۱۳ درصد و ۲۱-۴۰ سال ۵۷ درصد و ۴۱-۶۰ برابر ۲۱ درصد و بالای ۶۰ برابر با ۹ درصد بوده است. قتل‌های خانگی در ۴۶ درصد توسط اعضای خانواده و ۴۸ درصد توسط دوستان صمیمی و در ۲ درصد ما بین هم‌اتاقی و هم‌منزل و در ۴ درصد قتل توسط دیگران بوده است (آستین^۱، ۲۰۱۴: ۳). به‌زعم نظریه‌ها، خشونت امری مردانه است. مردان هم آن را بکار برده و هم قربانی آن می‌شوند. در سراسر دنیا، قتل مردان ۳ تا ۵ برابر زنان است. تا سن ۱۴ سالگی بین زن و مرد تفاوتی نیست ولی از سن ۱۵-۴۴ میزان ارتکاب و قربانی قتل بین جنسیت تفاوت محسوسی را نشان می‌دهد؛ زیرا نرخ قتل مردان ۵ برابر بیشتر می‌شود. به این معنی که ۱۹ قتل در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر برای مرد در مقایسه با ۴ قتل در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر بر زن است (بریکنو لئون^۲، ۲۰۰۵: ۱۶۴۵). به‌طور کلی طبق یافته‌های بهداشت جهانی، حدود ۵۲۰۰۰۰ قتل در سال در سراسر جهان رخ می‌دهد یا ۸۸ قتل در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر رخ می‌دهد، در حالی در زمان جنگ میزان کشته‌شدگان برابر با ۳۱۰۰۰۰ یا ۵۳ درصد در هر ۱۰۰۰۰۰ است. به این ترتیب قتل به‌طور مطلق یکی از مسائل اجتماعی چالش‌برانگیز جوامع بشری که آسیب‌های آن بسیار بیشتر از جنگ شده است (۲۰۰۴: ۳۱). سالانه ۶۰۰ فقره قتل خانوادگی در کشور رخ می‌دهد. قتل‌های خانوادگی ۳۴ درصد از قتل‌های کشور را به خود اختصاص داده که با احتساب سالانه ۱۸۰۰ فقره قتل در کشور، شاهد وقوع روزانه نزدیک به دو فقره قتل خانوادگی هستیم^۳. قتل زن توسط شوهر، بیشترین قتل‌های خانوادگی است که سهم وقوع قتل‌ها خانوادگی به‌وسیله سلاح سرد در شش ماهه امسال حدود ۴۷ درصد بوده

1. Steyn

2. Briceno-Leon

3. <http://www.salamatnews.com/news>.

است. علل حدود ۳۶ درصد از قتل‌های خانوادگی ناشی از اختلاف‌های خانوادگی و حدود ۲۱ درصد دیگر ناشی از مسائل اخلاقی است. مطالعه و بررسی پرونده‌های قضایی در استان اردبیل نیز حاکی از این است که ضربه چاقو و خفگی مهم‌ترین روش‌های قتل‌های خانوادگی است. فرزند کشی، والدین کشی، همسر کشی و خواهر و برادر کشی از مهم‌ترین قتل‌های است که در دسته قتل‌های خانوادگی قرار می‌گیرد. بر اساس پرونده‌هایی که به دادگاه ارسال می‌شود، زن کشی بیشترین آمار را در قتل‌های خانوادگی به خود اختصاص داده است. زنان قربانیان اصلی قتل‌های خانوادگی هستند و کمترین آمار مربوط به قتل مادر به دست فرزندان است. مسائل ناموسی، سوءظن، اختلافات خانوادگی، اعتیاد و اختلافات مالی از جمله تقسیم ارثیه را از مهم‌ترین انگیزه‌ها در ارتکاب قتل‌های خانوادگی هستند. مصرف مواد مخدر روان‌گردان باعث شده که سوءظن در بین زوج‌ها و اختلاف بین والدین و فرزندان افزایش یافته و باعث قتل می‌شود. جوامع در حال توسعه با توجه به سنتی بودن، زندگی رو به توسعه، افزایش روبه رشد حاشیه‌نشینی و شهرنشینی، با مسائل و آسیب‌های جدی روبروست. قتل خانگی یکی از حادثه‌ترین مسائل مواجهه در جامعه است که به علل گوناگونی رخ می‌دهد. با توجه به مباحث فوق و ضرورت مسئله، هدف و سؤال اصلی پژوهش به شرح زیر است:

هدف اصلی: تبیین جامعه‌شناختی قتل‌های خانوادگی

سؤال اصلی: چه عوامل جامعه‌شناختی در وقوع قتل‌های خانوادگی مؤثر بوده است؟

پیشینه پژوهش

اجمل^۱ (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان قتل‌های خانوادگی انجام داده است، به زعم وی در کشورهایی که بر فرهنگ سنتی بیشتر پایبند هستند و در آن عرف، هنجار و مردانگی مدیریت عرصه را بر عهده می‌گیرد، قتل حالتی مردانه به خود می‌گیرد و بیشتر مردان مهاجم و زنان قربانی این ماجرا هستند. بر این اساس، جنسیت، فرهنگ مردسالاری، خشونت خانگی، فقر مالی و ضعف در آگاهی اجتماعی در وقوع قتل‌های خانوادگی تأثیر دارد.

ریشه^۱ (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان قتل‌های خانوادگی در پاکستان انجام داده است، نتایج نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰، قتل‌های خانوادگی بیشتر شده است. وی علت اصلی قتل‌ها را بیشتر مسئله عاطفی دانسته و تأکید دارد که در بین دوستان صمیمی و شوهران فعلی و سابق که در آن بیشتر مسئله عشق و دوست داشتن مطرح است، رخ می‌دهد.

آندرسون^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی در افغانستان، قتل‌های خانوادگی را مختص زنان می‌داند و که زنان بیشتر قربانی هستند. به زعم فقدان منزلت اجتماعی برای زنان، وجود باورهای کلیشه‌ای، وابستگی زنان به مردان، نگرش قبیله‌ای، فقدان اعتماد اجتماعی به زنان در روابط اجتماعی و تفکیک نقش زنانه و مردانه زمینه‌ساز قتل می‌شود.

آرچر^۳ (۲۰۰۰)، در مطالعات خود نشان می‌دهد که قتل خشن ناشی از رواج سلاح‌های گرم بوده است. به زعم وی هراس اجتماعی، فقدان امنیت و شیوع رفتارهای بزهکارانه و خشونت‌بار عامل اصلی قتل است. می‌توان گفت که قتل فرایندی اجتماعی است و علت اصلی آن به ساختار اجتماعی، شکاف طبقاتی، وجود گمنامی در روابط و ... است.

جانس^۴ (۲۰۰۰) در مطالعه خود راجع تحقیقات جنایی نسل‌کشی اشاره می‌کند، عوامل زیست‌شناختی (نارسایی ذهنی، نقص بدنی)، عوامل اجتماعی (بی‌اعتمادی، تنفر، حسادت، خشونت والدین)، عوامل فرهنگی (فقر فرهنگی، انزوای اجتماعی، بی‌توجهی به قانون)، عوامل اقتصادی (فقر، شکاف طبقاتی، نداشتن درآمد کافی، فقدان امنیت غذایی) و عوامل روان‌شناختی (بی‌منزلی، بیماری‌های روانی، افسردگی، هراس اجتماعی، وحشت از دیگران) زمینه‌ساز قتل هستند.

اونیانگو^۵ (۲۰۱۱)، علت اصلی قتل و خشونت مرگبار در ساختار جنسیتی، تصورات مردانه، نگرش ناموسی و نارسایی نظارت می‌داند.

1. Ayesha
2. Anderson
3. Archer
4. Jones
5. Onyango

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

واژه Killing در لغت به معنای قتل، کشنده و دلربا آمده است (آریانپور، ۱۳۸۰: ۱۲۳). قتل واژه‌ای عربی است که معادل فارسیان کشتن است (معین، ۱۳۸۱: ۷۰۵). از نظر اصطلاحی قتل در ترمینولوژی حقوقی به مفهوم لطمه به حیات دیگری وارد ساختن خواه به واسطه عمل مادی و فیزیکی باشد خواه به واسطه ترک فعل است. پس می‌توان قتل را سلب حیات از دیگری تعریف کرد (لنگرودی، ۱۳۷۷: ۱۱۶). قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در یک تقسیم‌بندی کلی قتل را به سه نوع عمدی، شبه عمدی و خطای محض تقسیم نموده است. (زاهدی، ۱۳۹۱). پس شدیدترین جرمی که می‌تواند علیه تمامیت جسمانی ارتکاب یابد، قتل است. سلب عمدی حیات از یک انسان زنده دیگر از جمله جرائم طبیعی است که قباحت و زشتی آن مرور زمانی و مکانی نمی‌شناسد و همواره از دیدگاه عقل و شرع ممنوع است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴). قتل خانگی بیشتر توسط دوستان صمیمی رخ می‌دهد که یکی از شدیدترین شکل‌های خشونت خانگی محسوب می‌شوند. طبق مطالعات اف بی ای (دپارتمان قضایی ایالات متحده، ۲۰۱۴)، تقریباً ۱۴.۸۲۷ مردم در سال ۲۰۱۲ در ایالات متحده از هر ۱۰۰۰۰۰ نفر به قتل رسیده‌اند که ۹۰ درصد مهاجمان قتل مرد هستند. در نگاهی به نوع روابط نسبت قربانی به مهاجم، ۳۰.۲ درصد قربانیان توسط کسی به قتل رسیده که شناختی عمیق (نظیر دوست، آشنایان، همسایه و دوست بسر) نسبت به هم داشتند و ۱۲.۵ درصد مقتولین توسط اعضای خانواده به قتل رسیده‌اند. در بین قربانیان زن، ۳۵ درصد توسط شوهر یا دوست بسر خود به قتل رسیده‌اند (دپارتمان قضایی ایالات متحده، ۲۰۱۴). مطالعات جهانی صورت گرفته در ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که ۳۵ درصد از زنان قربانی توسط اعضای درجه یک خانواده یعنی شوهر فعلی یا سابق و ۱۷ درصد توسط دیگر اعضا رخ داده است. به‌طور کلی در طی ۲۵ سال اخیر از ۱۹۸۳-۲۰۰۷ به‌طور تقریبی ۴۵ درصد از زنان مقتول توسط دوستان صمیمی خود به قتل رسیده‌اند (لز^۱، ۲۰۰۹). طبق مطالعات جنایی، در ۸۰ درصد مردان و ۳۸ درصد زنان مرتکب خشونت خانوادگی می‌شوند. در قتل‌های خانگی، ۶۵ درصد از قربانیان توسط دوستان فعلی یا سابق خود و الباقی مربوط به فرزندان، والدین یا داماد خانواده است (مطالعه ملی

خشونت خانوادگی مرگبار^۱، ۲۰۱۴). قتل ناموس یکی از شدیدترین نوع دیگر قتل‌های خانوادگی است (داو^۲، ۲۰۰۷). مطالعات ۲۳ سال اخیر نشان می‌دهد که قتل زنان معمولاً توسط بزرگ‌سالان بالغ مردی رخ داده که در آن وضعیت فرد باحالتی نظیر عصبانیت هیجانی غیرقابل کنترل، رنجیدگی و تفکر انتقام‌گیرانه همراه بوده است (وبسدل^۳، ۲۰۱۰) که مهاجمان این نوع قتل در چهار دسته قرار می‌گیرد. همسرانی که دچار یاس و ناامیدی شده‌اند، افرادی که به دنبال انتقام زناشویی هستند، شیوع انگیزه پدرکشتگی و شیوع اختلافات و نزاع (لیم^۴، ۲۰۱۴). در اکثر قتل‌ها، حدود ۴۰.۵ درصد از اسلحه، چاقو ۲۹.۴ درصد، خفه کردن ۱۵.۷ درصد، ابزارهای دیگر مثل سنگ، چکش و مشت، آتش و پرت کردن شامل ۲۲.۲ درصد بوده است (رابرت^۵ و همکاران، ۲۰۱۵: ۳). از لحاظ سابقه جرم قاتلان، نصفی از آن‌ها حداقل یک‌بار قبل مرتکب جنایت‌های خشن شده‌اند (رابرت و همکاران، ۲۰۱۵: ۸). خشونت خانگی از جمله قتل یکی از جرائم حاد و پنهان جوامع بشری است. در سال ۲۰۱۲ تقریباً ۷ درصد (۱.۲۰۰۰۰۰۰) زنان و ۴ درصد مردان (۷۰۰۰۰۰) قربانی چنین خشونت‌هایی بوده‌اند (گای^۶، ۲۰۱۵: ۱۰). وقوع قتل‌های خانگی معمولاً به چندین حالت توسط دوستان صمیمی^۷ (دوستان سابق، شوهر سابق، دوست بسر/دوخترا)، فرزند کشی^۸ (قربانی فرزند یکی از مهاجمان است). والدین کشی^۹ (قربانی والدین مهاجم است)، فرزندخواندگی^{۱۰} (قربانی و مهاجم بردار یا خواهر) و چهارمی اعضای دیگر خانواده^{۱۱} شامل عمه، خاله، دایی/عمو، والدین بزرگ رخ می‌دهد. در طول ۱۹۸۹-۲۰۱۲ آمار نشان می‌دهد که ۲۳ درصد قتل‌ها بین دوستان صمیمی، بین فرزندان (۲۱ درصد)، توسط والدین ۱۲ درصد و فرزندخواندگی ۳ درصد و دیگر اعضای خانواده ۸ درصد بوده است. اکثر قتل در ساعات غروب از حدود ساعت شش تا نیمه‌شب به‌استثنای قتل

1. National Domestic Violence Fatality Review Initiative

2. Duwe

3. Websdale

4. Liem

5. Robert

6. Gay

7. Intimate partner.

8. Filicide.

9. Parricide

10. Siblicide

11. Other family

فرزندان تقریباً بعد از ظهر تا شش غروب رخ داده است. در این نوع قتل مردان بیش از زنان هم مهاجم/قربانی قتل بوده‌اند. زنان به طور عمده در ۷۰ درصد توسط دوستان صمیمی خود به قتل رسیده‌اند. مردان در ۴۴-۵۶ درصد توسط فرزندان خود قربانی شده‌اند. توسط والدین (۴۶-۵۴ درصد)، قربانی فرزندخواندگی بین ۲۰-۸۰ درصد. قتل توسط دیگر اعضای خانواده ۳۰-۷۰ درصد گزارش شده است. قتل بین دوستان صمیمی مؤنث (۷۵ درصد)، مرد (۲۵ درصد)، در فرزند کشی در ۵۶ درصد مرد، ۴۴ درصد زن، در والدین کشی ۵۴ درصد مرد و ۴۶ درصد زن، در فرزندان خواندگی در ۸۰ درصد مرد و ۲۰ درصد زن، دیگر اعضای خانواده ۷۰ درصد مرد و ۳۰ درصد زن بوده است (کوسن و بریانت، ۲۰۱۵). رفتار خشونت باری نظیر قتل به عنوان یکی از الگوهای رفتاری که شامل آزار و اذیت جنسی، اقتصادی، سیاسی، عاطفی و فیزیکی است که توسط دوستان صمیمی اغلب باهدف تسلط بر دیگری صورت می‌گیرد (کمیسون ویژه خشونت‌های مرگبار قتل، ۱۹۹۷). قتل‌های خانگی خشونت‌بار نیز از آن نوع قتل‌هایی است که بین مرد و زن، شوهر و همسر، دوست پسر/دوست دختر و ارتباطات صمیمی و غیر صمیمی رخ می‌دهد. در اصل، هر مرگی بین دوستان صمیمی می‌تواند به عنوان قتل خشونت‌بار خانگی تلقی گردد که این مسئله از مثلث عشقی، شوهر و همسر سابق و حسادت عشقی سرچشمه می‌گیرد. در دسته‌بندی صورت گرفته انگیزه قتل، عواملی از جمله عصبانیت، تنفر، حسادت یا انتقام‌گیری شناسایی شده‌اند (گبرث^۱، ۱۹۹۶). طبق نظریه سطح کلان اجتماعی، از یک طرف عواملی از جمله نابرابری شهری و افزایش تحصیلات و بیکاری، مسائل اخلاقی، فقدان نظارت قانونی و از طرفی نیز افزایش انتظارات اجتماعی و فقدان فرصت اجتماعی مناسب برای رسیدن به اهداف مورد نظر منجر به بروز خشونت ناشی از قتل می‌شوند (مرتین^۲، ۱۹۶۵). از بعد فرهنگی نیز کاهش توانایی و اقتدار کلیساها و ارگان مذهبی به عنوان ابزار بازدارنده بیرونی و مناطقی که فقر و غنی زیادی دارد، مستعد ظهور پدیده قتل خانوادگی است (بریکنو لئون^۳، ۲۰۰۵: ۱۶۳۵). تضعیف بازدارندگی بیرونی و درونی خانواده نیز زمینه‌ساز بروز قتل است. به این معنی که فقدان هماهنگی ذاتی، اخلاقی و اجتماعی اعضای خانواده زمینه‌ساز

1. Geberth

2. Merton

3. Briceno-Leon

خشونت و قتل است به این معنی که هنجارها و قواعد اخلاقی دچار فرسایش قرار بگیرند. با توجه به این باورها و مناسک اخلاقی، وسیله نگهداشت قوی نظم اجتماعی هستند و هرگونه نابسامانی و فروپاشی در این امر، منجر به خشونت و قتل می‌شود. وجود تنبیه شدید در خانواده، فقدان آموزش قواعد ممنوعه و مجاز، بی‌توجهی به نظم و اخلاق و باعث تشکیل فرایند فروپاشنده در آن‌ها می‌شود. از طرفی به خاطر تغییرات اجتماعی در سطح خانواده، خواه‌ناخواه اقتدار خانواده در زمینه کنترل اجتماعی دچار فرسایش گردیده است. نگرش‌های ناموسی و حساسیت با آن می‌تواند، منجر به قتل شود. معمول در خانواده‌های تک‌والدی، یا خانواده‌هایی که دران طلاق، قتل یا نوعی اختلال رخ داده است، احتمال گرایش به قتل زیاد دارند (لندون^۱، ۲۰۰۰). تضعیف اقتدار اخلاقی مذهب، نیز زمینه‌ساز قتل‌های خشن است. مذهبی همیشه ابزار مهمی برای مدیریت رفتار افراد جامعه تلقی می‌شده است. اینکه در آیین‌های دینی با این عنوان هیچ نباید کشته شود، ذکر شده، در روابط اجتماعی رعایت می‌شود. در سطح خرد، شکاف اجتماعی در جامعه، وجود بازار گسترده مواد مخدر و بیکار و همچنین وجود فرهنگ مردانه زمینه‌ساز قتل‌هاست (پینهرو^۲ و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۲). همچنین شرایطی که افراد در آن قرار دارند نیز حائز اهمیت است. برخی از افراد در هنگام مواجهه با مشکلات خشن، عصبی و هیجانی شده و اقدام به قتل می‌کنند. قتل و خشونت نیز یکی از انواع فعالیت‌های اجتماعی است (سفون^۳، ۱۹۹۳). خشونت خانگی قتل ناشی از این است که قربانیان در یک چرخه آزار و اذیت قرار می‌گیرند که در این حلقه در این خشونت انزوای اجتماعی، قدرت و کنترل اجتماعی، مقبولیت فرهنگی، مشکلات بهداشتی، بیماری ذهنی، کمبود مالی، فقر توانمندی، هراس و شرمساری از عوامل اثرگذار هستند (اسچتر^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). هم‌چون اجتماع سنتی، نظام مردسالاری، فقر فرهنگی، کهنه‌گرایی قوانین، کوتاهی دستگاه قضایی و ازدواج‌های نامناسب در شکل‌گیری تعصب ناموسی و به دنبال آن وقوع جرم قتل ناموسی مؤثرند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر فلسطین نیز اعلام کرد که نگرش زنان و مردان در مورد

1. Londoño
2. Pinheiro
3. Safouan
4. Schechter

قتل های ناموسی همانند هم نیست. نظریه ناکامی و پرخاشگری معتقد است که اگر فرد نتواند به اهداف خود برسد به قتل دیگران اقدام می کند. نظریه جامعه شناسی علت آدمکشی انسان ها را ناشی از شرایط اجتماعی می دانند که شامل دو نظریه محدودیت بیرونی و خرده فرهنگ خشونت است. از این رویکرد خودکشی و آدمکشی اساساً یک چیز یعنی ناشی از کنش پرخاشگرانه ناشی از ناکامی هستند. این نظریه مدعی است که افرادی که به شدت دچار ناکامی شده اند، اگر محدودیت بیرونی ضعیفی را تجربه کرده باشند، کنش پرخاشگرانه خودگرا (درون گرا) یعنی خودکشی و اگر از محدودیت بیرونی قوی رنج کشیده باشند، کنش پرخاشگرانه دیگرگرا (برون گرا)، یعنی دیگرکشی را انتخاب می کنند زیرا دیگران را مسئول ناکامی خود می دانند. نظریه جامعه پذیری در پرخاشگری با تنبیه بدنی مدعی است که تنبیه بدنی بچه ها در طی فرایند تربیت و بزرگ شدن آن ها به پرخاشگری برون گرا می انجامد. این گونه افراد در بزرگ سالی، زمانی که با ناکامی مواجه و آماده کنش پرخاشگرانه شوند دیگرکشی را انتخاب می کنند. نظریه خرده فرهنگ خشونت مدعی است که ضرب و شتم افراد و توسل به پرخاشگری به جای اجتماعی مورد تأیید و پذیرفته است و پیامد برخی محرک ها محسوب می شود و خشونت جزء آشنا و مرگبار تلاش برای زندگی است (همان: ۱۴۳). ویلیام مرز و فلورینگ از جمله اندیشمندانی هستند که علل قتل را ناشی از شرایط اجتماعی دانسته و چهار عامل را در وقوع قتل مؤثر می دانند:

۱. عدم انسجام اجتماعی و جدایی و شکاف در روابط متقابل افراد جامعه.
۲. محرومیت از منابع و نبود وسایل مشروع کافی و شایسته برای کسب ثروت.
۳. ترویج فرهنگ خشونت و فراگیر شدن عقاید مشترک درباره اعمال خشونت برای دست یابی به هدف.
۴. کاهش کنترل اجتماعی بر روی افراد (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۰۱).

نظریه های بی سازمانی اجتماعی، جامعه را یک نظام پیچیده و پویا می داند که بخش های مختلف آن از طریق قواعد و مقررات اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و منظم می شوند و هنگامی که مسئله ای یک بخش از نظام را تغییر می دهد، سایر بخش های آن نیز باید خود را با آن بخش هماهنگ و سازگار کنند. از نگاه این نظریه، مسائل اجتماعی محصول درهم ریختگی

سازمان اجتماعی و فرهنگی است (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۳). نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی کاهش کار آیی نهادهای اجتماعی مانند خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، هم‌چنین کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پی‌آمد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به سوی حوزه‌های شهری است را باعث افزایش جرمی هم‌چون: قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد می‌داند (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۳). هم‌چنین این نظریه‌ها قریب به اتفاق مسائل اجتماعی را محصول انهدام سنن، تعارض قواعد اجتماعی، فقدان قواعد متنوع رفتاری در سطح جامعه (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، تضاد فرهنگی، بی‌هنجاری، ضعف قوانین و ناهماهنگی نهادها و مناسبات اجتماعی که در نتیجه تغییرات سریع اجتماعی و برهم زنده تعادل آن به وجود آمده است و باعث احساس ناکامی در افراد و انهدام کنترل اجتماعی می‌شود، می‌داند. پیروان نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی راه حل مسائل اجتماعی را در ایجاد قوانین کارآمد یا کاهش سرعت تغییرات اجتماعی در راستای احیای هماهنگی پیشین نظام اجتماعی خلاصه می‌کنند. به اعتقاد آنان، راه حل بزهکاری عبارت است از: ایجاد و تقویت قواعد اجتماعی مناسب، صریح، قابل اجرا و سازگار برای کنترل وضعیت‌ها از طریق هماهنگ‌سازی رفتار مردم و نظام که در پرتو ارزیابی و تعدیل دائمی قواعد مزبور همواره در راه رفع نیازهای انسانی جامعه گام نهاده و رفع‌کننده نیاز بزهکاری می‌شود (همان: ۲۱۶) بنابراین به نظر می‌رسد که در افکار دور‌کیم، ارتباط معناداری بین آنومی، بحران اقتصادی، کنترل اجتماعی و رفتار انحرافی وجود دارد. او عواملی را که موجب آنومی در جامعه مدرن می‌شود به شرح زیر دسته‌بندی کرده است:

- ۱- تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی
- ۲- قرار گرفتن هنجارها در معرض شرایط دائماً در حال تغییر
- ۳- پیشرفت اقتصادی مبتنی بر روابط فردی آزاد شده از نظم
- ۴- تضعیف نیروهای اخلاقی جامعه (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۴). با توجه به مباحث و نظریه تبیین‌کننده قتل‌های خانوادگی، می‌توان فرضیه‌های پژوهش مستخرج از آن را به شرح زیر نشان داد:

فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد که بین مسائل اخلاقی و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد که بین فرهنگ انتقام‌جویانه و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد که اختلافات ارثی - ملکی و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد که بین مسائل ناموسی و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد که بین ساختار مردسالاری خانواده و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین عرفی شدن خشونت و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد که بین اختلافات زناشویی و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد که بین نظارت اجتماعی و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
 به نظر می‌رسد که بین بی‌اطلاعی از قانون و قتل خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از ماهیت پیمایشی (کمی)، به لحاظ زمانی (مقطعی) و به لحاظ هدف کاربردی است. ابزار اصلی آن، پرسشنامه است که در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم، کاملاً مخالفم) طراحی شده و بعد از تعیین پایایی و روایی آن به صورت تصادفی بین پاسخگویان توزیع و حجم نمونه از بین مراجعه‌کنندگان به دادگستری با استفاده از جدول مورگان به شرح زیر برآورد شده است.

جدول ۱- حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان

شهر	حجم جامعه	حجم نمونه
مشکین شهر	۸۰	۶۶
اردبیل	۹۵	۷۶
پارس آباد	۶۰	۵۲
جمع کل	۲۳۵	۱۹۴

روایی و پایایی پژوهش با استفاده از ابزار آلفای کرونباخ (۰/۷۸) و صاحب‌نظران تأیید شده است.

یافته‌های پژوهش - یافته‌های توصیفی

جدول ۲- توزیع وضعیت سنی پاسخگویان

سن	فراوانی	درصد
۲۰ تا ۲۵ سال	۱۴	۷.۲۱
۲۶ تا ۳۰ سال	۴۲	۲۱.۶۴
۳۱ تا ۳۵ سال	۲۶	۱۳.۰۴
۳۶ تا ۴۰ سال	۵۵	۲۸.۳۵
۴۱ تا ۴۵ سال	۱۰	۵.۱۵
۴۶ به بالا	۴۷	۲۴.۶۱
جمع	۱۹۴	۱۰۰

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که سنین ۲۰ تا ۲۵ برابر با ۷.۲۱، سنین ۲۶ تا ۳۰ برابر با ۲۱.۶۴، سنین ۳۱ تا ۳۵ برابر با ۱۳.۰۴، سنین ۳۶ تا ۴۰ برابر با ۲۸.۳۵، سنین ۴۱ تا ۴۵ برابر با ۵.۱۵ و سنین ۴۶ به بالا برابر با ۲۴.۶۱ است.

جدول ۳- توزیع وضعیت محل زندگی پاسخگویان

محل زندگی	فراوانی	درصد
روستا	۱۰۰	۵۱.۵۴
شهر	۹۴	۴۸.۴۶
جمع	۱۹۴	۱۰۰

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که محل زندگی ۵۱.۵۴ روستا و ۴۸.۴۶ در شهر است.

جدول ۴. توزیع وضعیت جنسیت پاسخگویان

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۴۷	۲۴.۳۶
مرد	۱۴۷	۷۵.۶۴
جمع	۱۹۴	۱۰۰

بر طبق نتایج حاصل، ۲۴.۳۶ درصد از پاسخگویان زن و ۷۵.۶۴ درصد مرد است.

جدول ۵- توزیع وضعیت تأهل پاسخگویان

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
مجرد	۸۸	۴۵.۳۶
متأهل	۱۰۶	۵۴.۶۴
جمع	۱۹۴	۱۰۰

نتایج یافته‌ها حاکی از این است که ۴۵.۳۶ درصد مجرد و ۵۴.۶۴ درصد متأهل هستند.

جدول ۶- توزیع وضعیت تحصیلی پاسخگویان

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
ابتدایی	۶۶	۳۴.۰۲
سیکل	۴۶	۲۳.۷۱
دیپلم	۲۹	۱۴.۴۹
فوق دیپلم	۳۴	۱۷.۵۹
لیسانس و بالاتر	۱۹	۱۰.۰۱
جمع	۱۹۴	۱۰۰

طبق نتایج جدول می‌توان گفت که ۳۴.۰۲ ابتدایی، ۲۳.۷۱ سیکل، ۱۴.۴۹ دیپلم، ۱۷.۵۹

فوق دیپلم و در نهایت لیسانس به بالا برابر با ۱۰.۰۱ است.

جدول ۷- توزیع وضعیت شغلی پاسخگویان

درصد	فراوانی	نوع شغل
۲۶	۵۱	کشاورزی
۱۴	۲۸	دامداری
۱۱.۸۵	۲۳	دولتی
۳۶.۶۹	۷۷	خانه‌دار
۱۱.۴۶	۱۵	خصوصی
۱۰۰	۱۹۴	جمع

یافته‌ها نشان می‌دهد که شغل ۲۶ درصد از پاسخگویان کشاورزی، ۱۴ درصد دامداری، ۱۱.۸۵ درصد دولتی، ۳۶.۶۹ خانه‌داری و خصوصی برابر با ۱۱.۴۶ است.

جدول ۸- توزیع وضعیت درآمدی پاسخگویان

درصد	فراوانی	درآمد
۳۴.۰۵	۶۶	کمتر ۵۰۰۰۰۰ تومان
۴۱.۲۳	۸۰	۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ تومان
۱۵.۴۶	۳۰	۱۰۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ تومان
۵.۶۷	۱۱	۲۰۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰ تومان
۳.۵۹	۷	بیش از ۳۰۰۰۰۰۰ تومان
۱۰۰	۱۹۴	جمع

نتایج جدول نشان می‌دهد که کمتر از ۵۰۰۰۰۰ تومان برابر با ۳۴.۰۵ درصد، ۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ تومان برابر با ۴۱.۲۳ درصد، ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ تومان برابر با ۱۵.۴۶، ۲۰۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰ تومان برابر با ۵.۶۷ و بیش از ۳۰۰۰۰۰۰ تومان برابر با ۳.۵۹ است.

– یافته‌های استنباطی

جدول ۹- آزمون کلموگروف-اسمیرنوف (K-S)

متغیرها	قدر مطلق	مثبت	منفی	K-S	سطح معناداری
مسائل اخلاقی	۰.۰۵	۰.۰۴۸	-۰.۰۵	۰.۹۶۴	۰.۳۱۰
فرهنگ انتقام‌جویانه	۰.۰۹۶	۰.۰۶	-۰.۰۹۶	۱.۸۴	۰.۰۶۲
اختلافات ارثی - ملکی	۰.۰۶۸	۰.۰۶۸	-۰.۰۶۵	۱.۳	۰.۰۶۵
مسائل ناموسی	۰.۰۹	۰.۰۹	-۰.۰۴۲	۱.۲۵	۰.۰۸۶
ساختار مردسالاری خانواده	۰.۰۵۴	۰.۰۲۶	-۰.۰۵۴	۱.۰۵	۰.۲۱۸
عرفی شدن خشونت	۰.۰۴۷	۰.۰۴۷	-۰.۰۳۲	۰.۹۱۷	۰.۳۶۹
اختلافات زناشویی	۰.۰۶۱	۰.۰۳۹	-۰.۰۱۲	۰.۸۷۹	۰.۴۱۲
نظارت اجتماعی	۰.۰۶۶	۰.۰۵	-۰.۰۷۸	۰.۹۲	۰.۲۶۲
بی‌اطلاعی از قانون	۰.۰۳۱	۰.۰۸	-۰.۰۱۲	۱.۴۰۳	۰.۲۱۰

از جمله پیش فرض اساسی در استفاده از رگرسیون و آزمون‌های پارامتریک نرمال بودن متغیرها است. بدین منظور از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است و فرض‌ها به صورت زیر تنظیم شده است.

توزیع متغیر مورد ارزیابی نرمال است. H_0

توزیع متغیر مورد ارزیابی نرمال نیست. H_1

در جدول فوق، نتایج ارزیابی نرمال بودن متغیرها به صورت زیر خلاصه شده است. در ردیف آخر سطح معناداری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نشان داده شده است. بالا بودن اعداد از ۰/۰۵ نشان می‌دهد که در سطح ۹۵ درصد فرض نرمال بودن متغیرها پذیرفته می‌شود و می‌توان برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون پارامتریک استفاده نمود.

جدول ۱۰- نتایج ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	معنای دو طرفه
مسائل اخلاقی	۰/۳۳	۰/۰۲۲
فرهنگ انتقام‌جویانه	۰/۴۷	۰/۰۰۰
اختلافات ارثی - ملکی	۰/۲۸	۰/۰۰۳
مسائل ناموسی	۰/۳۱	۰/۰۱۱
ساختار مردسالاری خانواده	۰/۵۲	۰/۰۰۰
عرفی شدن خشونت	۰/۶۰	۰/۰۲۱
اختلافات زناشویی	۰/۲۶	۰/۳۱۸
نظارت اجتماعی	۰/۳۸	۰/۰۰۴
بی‌اطلاعی از قانون	۷۰	۰/۰۰۰

تحلیل یافته‌های آزمون

- نتایج آزمون نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی دو متغیر مسائل اخلاقی و قتل‌های خانوادگی در سطح معناداری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰/۳۳ است. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۵ درصد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد و قابل تعمیم به جامعه آماری است. عدم رعایت یا حساسیت به مسائل اخلاقی و بی‌توجهی به آن در مناسبات اجتماعی- خانوادگی منجر به بروز رفتارهای خشنی از جمله قتل می‌شود.

- یافته‌های آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین فرهنگ انتقام‌جویانه و قتل‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ برابر با ۰/۴۷ است. به این معنی که وجود فرهنگ انتقام‌جویانه، زمینه وقوع قتل‌های خانوادگی را افزایش می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد که همیشه انتقام، فکر جبران مافات یا ضربه زدن به طرف مقابل را از طریق صدمات جانی و مالی تقویت می‌کند.

- یافته‌های آزمون پیرسون نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین دو متغیر اختلافات ارثی - ملکی و قتل‌های خانوادگی در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰/۲۸ است. لذا

می‌توان گفت که به احتمال ۹۵ درصد بین دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس وجود اختلاف ارثی و ملکی از جمله نادیده گرفتن حقوق ارثی دیگران و نداشتن تقسیم‌نامه و تعهد کتبی و مستند از جمله عواملی هستند که می‌تواند در شرایط حساس منجر به قتل شود.

- نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین مسائل ناموسی و قتل‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر با $0/31$ است. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۵ درصد رابطه بین دو متغیر قابل تعمیم به کل جامعه آماری است. وجود سوءظن بی‌اعتبار، حساسیت به مسائل خانوادگی، تقویت فرهنگ غیرت و عصیبت در بین خانواده یکی از مواردی هستند که منجر به قتل گردند.

- نتایج آزمون حاکی از این است که ضریب همبستگی دو متغیر ساختار مردسالاری خانواده و قتل‌های خانوادگی در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با $0/52$ است. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۵ درصد در کمتر از ۵ صدم خطا، نتایج قابل تعمیم است. بر این اساس وجود نگرش مردسالارانه و برتری مردان بر زنان و زیر سلطه نگه‌داشتن زنان، در جامعه باعث رخ دادن قتل و خشونت‌های ناشی از آن می‌شود.

- یافته‌های آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین عرفی شدن خشونت و قتل‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی دو متغیر برابر با $0/60$ است. وقتی در جامعه خشونت باهدف تربیت، تنبیه و آگاه‌سازی به‌عنوان فرهنگ و اصول رفتاری پذیرفته‌شده و در نهادهای اجتماعی و شخصیتی جایگیری شود، در شرایط بحرانی می‌تواند منجر به قتل نیز شود.

- یافته‌های آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین اختلافات زناشویی و قتل‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

- یافته‌های آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین نظارت اجتماعی و قتل‌های خانوادگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی دو متغیر برابر با $0/38$ است. لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۵ درصد رابطه بین دو متغیر و با کمتر از ۵ درصد خطا قابل تعمیم به کل جامعه آماری است. به این معنی که با کاهش نظارت‌های اجتماعی بر خانواده، احتمال خشونت بیشتر و در نتیجه قتل افزایش می‌یابد. وقتی افراد نسبت به نظارت اجتماعی احساس بی‌تفاوتی نمایند، یا در نظارت آن‌ها کوتاهی صورت گیرد، به همین سبب احتمال منجر شدن اختلافات

خانوادگی به قتل زیاده‌تر می‌شود. به تعبیر دورکیم فقدان نظارت اجتماعی، منجر به نابهنجاری از جمله قتل می‌شود.

- نتایج حاصل از آزمون حاکی از این است که ضریب همبستگی دو متغیر بین بی‌اطلاعی از قانون و قتل‌های خانوادگی در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد برابر با ۰/۷۰ است؛ لذا می‌توان گفت که به احتمال ۹۵ درصد و با کمتر از ۵ درصد خطا وجود رابطه قابل‌تعمیم به کل جامعه آماری است. به این معنی که وقتی که جامعه نسبت به قانون آگاهی چندانی نداشته باشند، افراد رفتاری آزادانه و سواي نظارت قانون خواهند. در ارتباط نقش قانون چنین می‌توان می‌گفت قانون به‌عنوان عنصری بازدارنده در جامعه عمل می‌کند، وقتی کشتگران اجتماعی اطلاعی از کارکرد، نقش و بازدارندگی آن نداشته باشند، به عرف و سنت موجود عمل کرده و خواسته‌های عرف را دنبال خواهد کرد که این امر خودبه‌خود مشوق هرگونه رفتاری خشنی از جمله قتل خواهد شد.

جدول ۱۲- نتایج رگرسیون چندگانه

متغیر	مقدار ضریب بتا (ضریب تأثیر)	آماره آزمون T	سطح معناداری
مسائل اخلاقی	۰/۲۹۴	۲/۸۷۱	۰/۰۰۳
فرهنگ انتقام‌جویانه	۰/۲۳۴	۵/۸۰۱	۰/۰۰۳
اختلافات ارثی - ملکی	۰/۳۸۱	۳/۴۳۹	۰/۰۱۶
مسائل ناموسی	۰/۳۵۲	۷/۶۴۵	۰/۰۰۴
ساختار مردسالاری خانواده	۰/۲۷۱	۵/۳۴۵	۰/۰۲۲
عرفی شدن خشونت	۰/۱۰۹	۳/۱۲۹	۰/۰۱۳
اختلافات زناشویی	۰/۱۹۸	۶/۴۰۳	۰/۴۰۱
نظارت اجتماعی	۰/۲۰۹	۵/۷۵۲	۰/۰۰۰
بی‌اطلاعی از قانون	۰/۱۴۲	۴/۰۶۱	۰/۰۰۳
ضریب همبستگی چندگانه		۰/۴۲۱	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۸۱	

نتیجه‌گیری

جامعه بشری با آسیب‌های اجتماعی گوناگون روبرو بوده و جامعه‌شناسان یکی از علت اصلی بروز آسیب‌هایی نظیر قتل را در حال گذار بودن جامعه و عدم نهادمند شدن در فضای مدرن از یک طرف و هنجار‌گریزی، تغییرات ارزشی و کمر رنگ شدن اخلاق از طرفی دیگر می‌دانند. قتل جزئی از جرائم خشن و نشان از بی‌سازمانی اجتماعی و تقابل ذاتی در مناسبات اجتماعی دارد. قتل یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های بشری است که به‌رغم وضع قوانین مختلف برای پیشگیری از وقوع این جرم، گریبان‌گیر تمام جوامع بوده است. قتل انواع گوناگونی از جمله قتل سیاسی، قتل ناموسی، قتل سریالی، قتل‌های عاطفی و ابزاری و قتل خانوادگی دارد. وجه تمایز قتل خانوادگی با سایر قتل در بعد عاطفی، احساسی، شناخت نزدیک، حضور روابط سستی و چهره به چهره و صمیمی است. به این خاطر در این نوع از مسئله، قتل بیش‌تر در بین آشنایان درجه یک تا درجه دو رخ می‌دهد. همین امر، آن را به امری پیچیده و تابعی از کنش‌های اجتماعی نموده است. می‌توان شیوع قتل در سطح خانواده را نمادی از تزلزل اخلاقی و بحران انسجام در خانواده تلقی کرد که ماهیت و کارکرد خانواده در جامعه را دچار فرسایش کرده است؛ یعنی با قتل که شدیدترین نوع خشونت بوده با ماهیت خانواده در تضاد می‌باشد. خانواده‌ای که افراد در ابتدا، به‌صورت داوطلبانه آن را تشکیل می‌دهند و در ذهن همه آن‌ها خانواده جایی امن برای حفظ اعضا و برآوردن نیازهای زیستی آن‌ها است، وقتی تبدیل به صحنه قتل و خشونت می‌شود، ذهن را به این سمت می‌کشاند که خانواده جدید، در اجرای کارکردهای خود، دچار ضعف شده است، به‌طوری که دیگر قادر نیست نیازهای زیستی و حیاتی اعضا را به نحو مطلوبی تأمین کند. این تأمین نشدن نیازهای حیاتی برای اعضای خانواده، منجر به تنش و درنهایت قتل می‌شود. پس قتل‌های خانوادگی شامل قتل‌هایی است که هر دو فرد یعنی قاتل و مقتول عضو یک خانواده باشند؛ یعنی یکی از موارد می‌تواند فرزند، پدر، مادر، زن، شوهر، پدربزرگ، مادربزرگ و نوه باشد که در این دسته هستند. قتل غیر خانوادگی شامل قتل‌هایی است که هیچ رابطه خانوادگی درجه اول بین قاتل و مقتول وجود نداشته باشد. قتل‌هایی مثل قتل دخترعمو و پسرعمو و دیگر قتل‌های این‌چنینی جزء قتل‌های غیر خانوادگی قرار گرفته‌اند. مسائل اخلاقی به تعبیر دورکیم شاکله‌های

اصلی نظم اجتماعی و سامانمندی کنش بشری است، با زوال اخلاق و حاشیه‌ای شدن آن از عرصه مناسبات اجتماعی، با خود بحرانی را ایجاد می‌کند. نتایج آزمون نشان می‌دهد که رابطه همبستگی مسائل اخلاقی با قتل‌های خانوادگی برابر ۰/۳۳ است. به این معنی که عدم رعایت اخلاق منجر به بروز قتل می‌شود. نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهند که مسائل اخلاقی توانسته ۰/۲۹۴ درصد از متغیر قتل‌های خانوادگی را تبیین کند. پویایی جامعه و کاهش آسیب‌های اجتماعی منوط به رعایت و نهادینه شدن اخلاق در مناسبات اجتماعی است. انتقام باهدف ضربه زدن و مقابله به مثل صورت می‌گیرد. فرهنگی شدن انتقام با این هدف تربیت، به کرسی نشاندن برتری و ایجاد سلطه بر دیگری از مواردی هستند که منجر به قتل می‌شوند. ضریب همبستگی متغیر فرهنگ انتقام‌جویانه با قتل‌های خانوادگی برابر ۰/۴۷ است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که هرچه از سطح انتقام‌جویی کاسته شود به همان میزان از میزان قتل‌های خانوادگی کاسته خواهد شد. ضریب بتای رگرسیون چندگانه مقدار تأثیرگذاری فرهنگ انتقام‌جویانه بر قتل‌های خانوادگی را ۰/۲۳۴ نشان می‌دهد. به این معنی که به ازای یک واحد تغییر در فرهنگ انتقام‌جویانه، قتل‌های خانوادگی به میزان ۰/۲۳ تغییر می‌یابد. گاهی در اجتماعات انسانی بر سردست یابی به منابع کمیاب و ارزشمندی نظیر زمین، مسائل مالی و غیره اختلافاتی پیش می‌یابد و گاهی تداوم کشمکش و کینه‌ها به بروز قتل‌های عمدی و غیرعمدی منجر می‌شود. عدم تقسیم ارثیه به‌طور مساوی، خیانت در مسائل مالی، نیرنگ زدن، محروم کردن از ارثیه و غیره از مواردی هستند که حادثه قتل را دامن می‌زنند. نتایج رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیر اختلاف ملکی - ارثی توانسته ۰/۳۸۱ از قتل‌های خانوادگی را تبیین کند. در زمینه اختلاف ملکی - ارثی می‌توان به اختلاف بر سر مسیر مالرو، آبیاری و حق آبه، فقدان تقسیم‌نامه مکتوب و زیاده‌خواهی می‌توانند در قتل خانوادگی تأثیرگذار باشند. قتل بیشتر از مسائل ناموسی و حساسیت نسبت به آن برمی‌خیزد. مسائل ناموسی و داشتن سوءظن نسبت به آن به‌ویژه زنان از عمده‌ترین عامل قتل‌های خانوادگی هستند. ناموس در یک تعریف کلی یکی از عوامل مهم نگه‌دارنده نظم جمعی و همبستگی گروهی به‌جای مانده از نظام خویشاوندی و قبیله‌گرایی موجود در گذشته است؛ پاسداری زنان از عفت و شرفشان به‌عنوان موضوع مبادله، در واقع پاسداری از شرف گروه، اجتماع، خانواده، طایفه یا قبیله است که در

نظام خانوادگی کنونی اندکی تجلیاتش مدرن‌تر شده است. داشتن روابط خارج از عرف، ازدواج بدون اذن والدین، سلطه تصمیم مردان بر زنان و تلقی شدن زنان به‌عنوان جنس دست‌دوم از جمله مواردی هستند که در جامعه منجر به وقوع قتل‌های خانوادگی می‌شوند. این نوع قتل‌ها ما بین اعضای خانواده بسیار شایع شده و معمولاً زنان بیشتر از مردان قربانی این پدیده هستند. نتایج بتای رگرسیون نشان می‌دهد که مسائل ناموسی فقط ۰/۳۵ درصد از قتل‌های خانوادگی را تبیین می‌کنند. خانواده از جمله پایه اساسی شکل‌گیری هم‌نواپی و ناهم‌نواپی یا به تعبیری جامعه‌پذیری مثبت یا جامعه‌پذیری سیتزجویانه محسوب می‌شود. به این سبب ساختار خانواده بسته به محیط، فرهنگ و عرف تأثیر زیادی در کنش و واکنش‌های اجتماعی خواهد داشت. خانواده‌هایی که در آن مردان به‌عنوان تصمیم‌گیری نهایی و قدرت اصلی مناسبات هستند، تقابل با فرهنگ مردسالارانه و هرگونه کنشی که نظم سلطه آن‌ها را با چالش و بحران روبرو سازد، منجر به واکنش تند و خشنی از سوی آن‌ها خواهد شد. مردسالاری در نظام خانواده باعث سلسله‌مراتبی شدن روابط در خانواده است که مردان در رأس امور قرار دارد و محوریت امور اجتماعی با اوست. بعد از پدر مادر یا در بعضی خانواده‌ها برادر بزرگ است که جایگاه دوم را دارند. دختران در ردیف آخر منزلتی در خانواده قرار دارند. در واقع موقعیت فرودستی زنان از همان ابتدا در خانواده فرم و شکل می‌یابد. این روابط سلسله‌مراتبی موجب شده تا مردان فاصله‌اش را با سایر اعضای خانواده حفظ کند و این همان چیزی است که نظام پدرسالار می‌طلبد. به این خاطر رفتارهای مردسالارانه، حاکمیت آن‌ها بر امور خانواده می‌تواند منجر به قتل بشود، این در صورتی که است که احساس کنند که اطرافیان در صدد بی‌توجهی یا خلع قدرت از دست آن‌هاست. به همین دلیل معمولاً خانواده مردسالار خواهان نظارت بر زیردستان و اعمال نظرات شخصی خودشان هستند. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که ساختار مردسالاری خانواده توانسته ۰/۲۷ از قتل‌های خانوادگی را تبیین نماید. نظارت اجتماعی به‌عنوان ابزاری بازدارنده بوده و سعی در هدایت کنش به سمت هم‌نواپی با آرمان‌های جامعه دارد. هدفی که نظارت اجتماعی دنبال می‌کند، کاهش جرائم و رفتارهای خشن از یک طرف و حاکم نمودن نظم اجتماعی برای کنترل روابط است. ضعف در نظارت، منجر به بی‌تفاوتی نسبت به عناصر مجازاتی شده و خشونت را ترویج می‌کند. با کناره‌گیری

نظارت اجتماعی، تقابل و تضاد نیز امری عادی شده و مردم بدون هراس از مجازات و ابزارهای بازدارنده، اقدام به خواسته‌های خود خواهند. وقوع قتل‌های خانوادگی نیز تابعی از حاشیه‌ای شدن نظارت اجتماعی است. نتایج بتای رگرسیون نشان می‌دهد که نظارت اجتماعی توانسته ۰/۲۰ درصد از وقوع قتل‌های خانوادگی را تبیین نماید. آگاهی اجتماعی از قانون و کارکرد و وظایف آن از عنصری بازدارنده از قتل و جنایت‌های بشری است. در جامعه‌ای که قانون آن چنان نهادینه نشده باشد، جرائم و آسیب‌های خشن اجتماعی از قتل نیز افزایش می‌یابد. نتایج رگرسیون حاکی از این است که متغیر بی‌اطلاعی از قانون توانسته ۰/۱۴ درصد از قتل‌های خانوادگی را تبیین نماید. به تعبیر هابزگدر جامعه از عصر طبیعی که قانون بقای اصلح رایج بود به عصر قرارداد اجتماعی، نقش قانون را در کنترل و کاهش خشونت اجتماعی پررنگ‌تر نموده و امنیت را ترویج کرده است. با از بین رفتن قانون از مناسبات رفتاری، با نوعی هرج‌ومرج و آشوب اجتماعی مواجه شده و از پیامدهای چنین روندی، وقوع قتل‌های خانوادگی است.

پیشنهادها

- نظارت جدی از سوی قوه قضاییه و نیروی انتظامی بر جرایم خانوادگی
- آموزش خانواده نسبت به حقوق اجتماعی و فرهنگ مصالحه
- آموزش افراد و ترویج فرهنگ مدارا و بخشش
- ترویج سازوکار کاهش فرهنگ خشونت از طریق رسانه، منابع و بسترهای آموزشی
- پیاده‌سازی نتایج پژوهش‌ها در راستای برون‌رفت از بحران جرائم خشن
- استفاده از عناصر دینی برای تقویت اعتقاد و باورهای اجتماعی راجع به مدیریت رفتار شهروندی
- آشنایی مردم به قوانین اجتماعی و تغییر در رویکرد قضایی - انتظامی نسبت به قتل و

قاتلان

- تقویت روابط خانواده با نظام قضایی - انتظامی
- تهیه قوانین درون خانگی و تقویت عناصر بازدارنده جرائم خشن در مناسبات خانوادگی

- مدیریت و برنامه ریزی موارد اختلاف برانگیز و مناقشه زا در خانواده
- تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد در خانواده ها
- تغییر جایگاه زنان و روابط و منزلت اجتماعی آنها در سیستم خانواده
- تلاش در جهت کاهش نگرش مرد محورانه خانواده و ترویج فرهنگ مشورت و مدارا

منابع

- ۱- احمدی، حبیب (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران: انتشارات سمت
- ۲- آریانپور، عباس (۱۳۸۰). فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی. تهران. امیرکبیر.
- ۳- بیات، بهرام (۱۳۹۰). فرا تحلیل آسیب‌های اجتماعی و جرائم. تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران معاونت اجتماعی. اداره کل مطالعات اجتماعی
- ۴- پرویزی، رضا (۱۳۸۴). پیشگیری وضعیتی و نقش آن در پیشگیری از قتل. تهران: معاونت آموزش ناجا
- ۵- زاهدی، علی (۱۳۹۱)، قانون مجازات اسلامی، تهران: جنگل
- ۶- شیرزاد، جلال، دهنوی، مصطفی و فقیه فرد، پیمان (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر قتل‌های عمدی شهرستان سنندج. فصلنامه دانش انتظامی. سال سیزدهم. شماره چهارم
- ۷- قاسمی، وحید و یازرلو، عطیه (۱۳۸۳). اثر ناکامی بر نوع جرائم در میان گروه‌های قومی استان گلستان. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. شماره چهاردهم
- ۸- لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات ابن‌سینا
- ۹- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵) درآمدی بر جامعه‌شناسی انحرافات رفتاری نوجوانان. تهران: حق‌شناس
- ۱۰- نجفی ابراند آبادی، علی حسین و همکاران (۱۳۹۴)، مطالعه انگیزه مختلف قتل و عوامل مرتبط با آن در استان فارس، مجله علوم پزشکی قانونی، دور ۲۱، شماره ۳
- ۱۱- وزارت کشور (۱۳۸۳)، بررسی پدیده قتل در ایران، معاونت امور اجتماعی و شوراها
- 12- Ajmal, Umer Bin (2012). "Domestic violence". Dawn. Retrieved 28 July 2012.

- 13- Anderson, Lisa (15 June 2011). "Trustlaw Poll: Afghanistan is most dangerous country for women". Thomson Reuters Foundation. Retrieved 31 July 2012
- 14- Archer, J. (2000) Sex differences in aggression between heterosexual partners: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 126, 651-680
- 15- Ayesha Shahid (7 April 2012). "Domestic violence bill gets new look". Dawn. Retrieved 6 September 2012
- 16- Briceño-León Roberto(2005), Urban violence and public health in Latin America: a sociological explanatory framework *Violencia urbana y salud pública en Latinoamérica: un marco sociológico explicativo* Cad. Saúde Pública, Rio de Janeiro, 21(6):1629-1664, nov-dez,
- 17- Catalano S. Intimate partner violence, 1993–2010. Washington, DC: U.S. Department of Justice, Office of Justice Programs, Bureau of Justice Statistics, 2012
- 18- Center for Disease Control and Prevention. Violence Prevention. Intimate partner violence; <http://www.cdc.gov/violenceprevention/intimatepartnerviolence/definitions.html> (accessed April 15, 2014)
- 19- Commission on Domestic Violence Fatalities. Report to the Governor of New York State, October 1997. The Honorable Jeanine Pirro, Westchester County District Attorney, and Commission chairperson.
- 20- Cussen, Tracy & Bryant, Willow(2015), Domestic/family homicide in Australia Australia's national research and knowledge centre on crime and justice www.aic.gov.au ISSN 1836-9111
- 21- Duwe G. Mass murder in the United States. Jefferson, NC: McFarland, 2007
- 22- Ferraro KF. Fear of crime. Interpreting victimization risk. New York: State University of New York; 1995.
- 23- Gay, Oonagh(2015), Domestic Violence, Home Affairs Section, Standard Note: SN/HA/6337.
- 24- Geberth, Vernon J. Practical Homicide Investigation: Tactics, Procedures, and Forensic Techniques. THIRD EDITION. Pp. 425. Boca Raton, FL: CRC PRESS, INC. 1996
- 25- Jones, Adam (2000). *Journal of Genocide Research*, 2: 2, p. 188
- 26- Leth PM. Intimate partner homicide. *Forensic Sci Med Pathol* 2009;5:199–20
- 27- Liem M, Reichelmann A. Patterns of multiple family homicide. *Homicide Stud* 2014;18(1):44–58.
- 28- Londoño JL, Gaviria A, Guerrero R. Asalto al desarrollo. *Violencia en América Latina*. Washington DC: Banco Interamericano de Desarrollo; 2000.
- 29- Merton RK. *Teoría y estructura social*. México DF: Fondo de Cultura Económica; 1965.

- 30- National Domestic Violence Fatality Review Initiative; <http://www.ndvfri.org/> (accessed February 14, 2014)
- 31- Onyango, Monica (2011). "Social Constructions of Masculinity and Male Survivors of Wartime Sexual Violence: an Analytical Review". *International Journal of Sexual Health*
- 32- Pinheiro PS. *El Crimen, la violencia y la pobreza urbana*. In: Seminar on Urban Poverty. Rio de Janeiro: Asociación Latinoamericana de Organizaciones de Promoción/World Bank; 1998.
- 33- Robert E. Hanlon, Michael Brook, Jason A. Demery, and Mark D. Cunningham(2015), *Domestic Homicide: Neuropsychological Profiles of Murderers Who Kill Family Members and Intimate Partners* *Forensic Sci*, 2015 doi: 10.1111/1556-4029.12908 Available online at: onlinelibrary.wiley.com
- 34- Safouan M. *La parole ou la Mort. Comment une societe humaine est-elle possible?* Paris: Éditions du Seuil; 1993.
- 35- Schechter, Daniel S. Zygumt, Annette; Coates, Susan W. Davies, Mark; Trabka, Kimberly A. McCaw, Jamie; Kolodji, Ann; Robinson, Joann L. (September 2007). "Caregiver traumatization adversely impacts young children's mental representations on the MacArthur Story Stem Battery". *Attachment & Human Development*, special issue: Young Children's Narratives in the Context of Clinical Work (Taylor and Francis) 9 (3): 187–205. doi:10.1080/14616730701453762. PMC 2078523. PMID 18007959
- 36- Steyn, Jacqueline(2014). *Domestic Violence Homicide in Oklahoma Annual Report*.
- 37- U.S. Department of Justice. Office of Violence Against Women. *Domestic violence*; <http://www.ovw.usdoj.gov/domviolence.html> (accessed April 20, 2014)
- 38- Wallace, Harvey (2005), "Characteristics of family violence", in Wallace, Harvey, *Family violence: legal, medical, and social perspectives*, Boston, Massachusetts: Pearson, p. 2, ISBN 9780205418220
- 39- Websdale N. *Familicidal hearts: the emotional styles of 211 killers*. New York, NY: Oxford University Press, 2010.
- 40- World Health Organization. *World report on violence and health*. Geneva: World Health Organization; 2004.